

اخلاق محیط زیست *

□ حجت الاسلام والمسلمین احدالله قلی زاده برندق
عضو هیأت علمی جامعه المصطفی (ص)
و مدیر علمی گروه فلسفه و کلام مجتمع آموزش عالی فقه

چکیده

امروزه چگونگی مواجهه با مشکلات زیست محیطی و ارائه راه حل برای آن، به یکی از مهم ترین دغدغه های متفکران تبدیل شده است. دیدگاه برخی از محققان در این زمینه کاملاً انسان محور است و آنان همه چیز را در خدمت انسان می دانند. برخی دیگر علاوه بر انسان، حیوانات را نیز دارای ارزش ذاتی می دانند. مقاله حاضر با تبیین دیدگاه اخلاقی اسلام در این زمینه، برای همه موجودات ارزش ذاتی قائل شده و در عین حال درباره کرامت داشتن و فضیلت داشتن انسان نسبت به سایر موجودات اظهار نظر می نماید.

کلیدواژه ها: اخلاق، محیط زیست، اخلاق محیط زیست، قواعد اخلاقی، فضایل اخلاقی و رذایل اخلاقی.

*. وصول ۱۳۸۸/۸/۹. تصویب: ۸۸/۱۰/۱۲

مقدمه

با وجود اینکه تاکنون کتابها و مقالات متعدد درباره مشکلات محیط‌زیست عرضه شده و همایشهای گوناگون و کارشناسان رشته‌های مختلف به این مسئله مهم پرداخته‌اند، اما همچنان مشکلات زیست‌محیطی رو به فزون است و آمارهای نگران‌کننده‌ای در این زمینه منتشر می‌شود. البته این مشکلات ارتباط وثیقی با سیاست‌گذاریهای دنیای معاصر و رفتار آدمیان دارد. مقاله حاضر با مسلم انگاشتن ضرورت پرداختن به این مسئله و بدون اقامه استدلال بر ضرورت آن، متکفل پاسخ به برخی از سؤالات در قلمرو بحث محیط‌زیست است؛ سؤالاتی از قبیل این که:

- ۱- مقصود از اخلاق چیست؟
- ۲- حد و مرز محیط‌زیست و عناصر اصلی آن چیست؟
- ۳- آیا اخلاق می‌تواند در عرصه محیط‌زیست حاکم باشد؟
- ۴- اگر جواب سؤال فوق مثبت است، اخلاق محیط‌زیست دارای چه مشخصه‌هایی است؟
- ۵- عوامل بحران‌ساز برای محیط‌زیست چیست؟
- ۶- اصول و قوائد اخلاق محیط‌زیست کدام‌اند؟

مفهوم شناسی

مقصود از مفهوم شناسی، ایضاح مفاهیم به کار رفته در این تحقیق و ارائه تعریفی از «اخلاق محیط‌زیست» است. بدیهی است که با این ایضاح چهار سؤال از سؤالات مطرح شده در ابتدای تحقیق پاسخ داده شده و زمینه برای پرداختن به سؤالات بعدی فراهم می‌گردد مفاهیمی که در این تحقیق به کار رفته است عبارت‌اند از:

الف. اخلاق

واژه «اخلاق» جمع «خلق» و «خلق» است (زبیدی، تاج العروس: ۱۳/ خلق). در مصباح المنیر و صحاح اللغة «خلق» و «خلق» دارای یک معنای مشترک دانسته شده

است که عبارت است از «تقدیر» یعنی اندازه‌گیری کردن (فیومی، مصباح المنیر: خلق؛ جوهری، صحاح اللغة: ۴/خلق). صاحب مقایس اللغة در توجیه واژه «خلق» که به معنای سجیه و سرشت است و نسبت آن با معنای تقدیر و اندازه‌گیری می‌گوید: «لأنَّ صاحبه قد قدرَّ علیه» زیرا دارنده سجیه بر همان خو و طبیعت اندازه‌گیری شده است» (مقایس اللغة: خلق). در کتاب تهذیب اللغة نیز بر اساس معنای فوق در معنای «تبارک الله أحسن الخالقین» گفته است: «معناه أحسن المقدرین» (تهذیب اللغة: خلق). کتاب تاج العروس از قول ابن انباری «أحسن المقدرین» را چنین معنا می‌کند که خداوند بهترین اندازه‌گیریه‌ها را در آفرینش موجودات به کار برده و هر چیزی را در اندازه معین و به صورت متوازن آفریده است (زبیدی، همان).

آنچه ذکر شد معنای لغوی بود. لکن «اخلاق» در اصطلاح دارای تعاریف گوناگونی است. برخی اخلاق را «ملکه نفسانی که افعال از آن به آسانی صادر می‌شود» دانسته‌اند (نراقی، جامع السعادات ۱۳۸۳: ۱/۲۲). ولی برخی آن را اعم از ملکات نفسانی دانسته و آن را شامل ملکات و افعال اختیاری انسان که متصف به خوب و بد است می‌دانند (مصباح یزدی، اخلاق در قرآن ۱۳۷۶: ۱/۲۵). برخی نیز معتقدند اخلاق عبارت از ملکات و هیأت‌های نفسانی است که اگر نفس به آنها متصف شود، صدور فعل از او به سهولت و آسانی صورت می‌گیرد (جوادی آملی، مبانی اخلاق در قرآن: ۲۲).

آنچه در این نوشتار از آن سخن به میان آمده است، چیزی است که اعمال اختیاری انسان را در بر می‌گیرد.

ب. محیط‌زیست

محیط‌زیست از دو کلمه «محیط» و «زیست» ترکیب یافته است. «محیط» واژه عربی است که به معنای مکان، اوضاع و احوال و آنچه شخص یا چیزی را احاطه کرده و منشأ تغییر و تحول است، به کار می‌رود. به تعبیر دیگر، «محیط» فراگیرنده و جای زندگی آدمی است (عمید، فرهنگ عمید ۱۳۷۷: ۲/۱۷۷). «زیست» واژه‌ای فارسی و به معنای زندگی و حیات است (همان).

بنابراین، محیط‌زیست عبارت است از همه چیزهایی که در اطراف ما وجود دارند و نسبت به ما تأثیر و تأثر دارند که می‌توان آن را به محیط‌زیست طبیعی، مصنوعی و محیط اجتماعی انسانی تقسیم کرد (بخش‌ی، شناخت، حفاظت و بهسازی محیط‌زیست ایران ۱۳۸۱: ۱۵ - ۱۶). در این نوشتار، محیط‌زیست همه اقسام آن را شامل می‌شود و عناصر متعددی از قبیل آب، هوا، خاک، گیاهان، حیوانات، کوه، ابر، آفتاب، باران و... را در بر می‌گیرد بنابراین، آنچه در تعریف شورای اقتصادی اروپا به آن تصریح شده است (رک: کیس، حقوق محیط‌زیست ۱۳۷۹: ۶). فقط عناصر اصلی محیط‌زیست است نه همه عناصر. در نوشتار حاضر به لحاظ مجال محدود تنها به برخی از این عناصر به شرح ذیل پرداخته می‌شود:

۱. آب

آب یکی از عناصر محیط‌زیست است که در قرآن ۵۹ بار به آن اشاره شده و یکی از عوامل حیات شمرده شده است. آیه شریفه «و جعلنا من الماء کل شیء حی» (انبیاء: ۳۰) و آیات متعدد دیگری همچون آیه ۲۴ سوره روم، آیه ۱۶۴ سوره بقره و آیه ۴۵ سوره نور دلالت روشنی بر این مطلب دارند. گفته می‌شود نزدیک به ۷۲ درصد سطح کره زمین را آب پوشانده است که ۲/۹۷ درصد حجم آن در اقیانوسهاست. کمتر از ۷/۲ درصد آبهای زمین شیرین است که حدود یک سوم این مقدار قابل مصرف و مابقی آن به صورت برف و یخ در نواحی قطبی و غیرقابل استفاده است (روشنی، اکولوژی عمومی تهران ۱۳۸۱: ۷۰ - ۷۱).

۱. خاک

خاک یکی دیگر از عناصر مهم محیط‌زیست است که لایه نازکی از سطح کره زمین را تشکیل می‌دهد. یک و نیم میلیارد هکتار خاک روی کره زمین است که یازده درصد آن در دست کشاورزی است. گفته می‌شود برای تشکیل ۵/۲ سانتی متر خاک حدود هزار تا دوهزار و پانصد سال وقت لازم است (مصدق، تخریب محیط‌زیست جهانی و آینده جهان

۱۳۸۲: ۳- ۴). وابستگی و نیازمندی موجودات زنده به خاک امری واضح و البته مورد تأیید قرآن کریم است. آیه شریفه «و جعلنا لكم فيها معاش و من لستم له برازقین» (حجر: ۲۰) و آیات دیگری همچون آیه 53 سوره طه و آیه ۴۶ سوره مؤمن که زمین را آسایشگاه معرفی می‌کند، دال بر این مطلب‌اند (طه: ۵۳؛ مؤمن: ۶۴).

۳. هوا

هوا عنصر مهم دیگری از محیط‌زیست است که همه موجودات زنده از آن سود می‌برند و همچون سقف بلورینی است که زمین را از شر مجموعه مرگبار سنگهای آسمانی حفاظت می‌کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و جعلنا السماء سقفاً محفوظاً» (انبیاء: ۳۲). در سخنی از امام صادق(ع) نیز به عنصر هوا اشاره شده و آمده است: «خوشی زندگی با حضور سه چیز میسر است: هوای پاک، آب گوارا و زمین حاصل‌خیز» (مجلسی، بحارالانوار ۱۴۰۳: ۷۵ / ۲۳۴).

۴. گیاهان

گیاهان به عنوان یکی دیگر از عناصر اصلی محیط‌زیست تأثیر سرنوشت‌سازی در زندگی ما دارند. تولید اکسیژن هوا که بشر در هر نفسی به آن محتاج است توسط گیاهان و درختان صورت می‌گیرد. قرآن در بیان زندگی اهل بهشت معمولاً به وجود درختان اشاره می‌کند و پیامبر اکرم و ائمه معصوم(ع) هم در مواضع متعدد مسلمانان را از قطع درختان نهی و به درخت کاری امر فرموده‌اند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، علاوه بر آنچه ذکر شد، عناصر دیگری نیز در محیط‌زیست وجود دارد که پرداختن به آنها خارج از ظرفیت تحقیق حاضر بوده و مجال دیگری می‌طلبد.

ج. اخلاق محیط‌زیست

اخلاق محیط‌زیست یکی از قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین حوزه‌های اخلاق کاربردی است که با توسعه در مفهوم محیط‌زیست تقریباً همه عرصه‌های فعالیت‌های انسانی را در بر

می‌گیرد. این شاخه از اخلاق کاربردی به رابطه جزئی و ویژه فرد موجود زنده با محیط زیست توجه کامل داشته و در تدبیر اقداماتی که احتمال دارد بر حیات آن موجود تأثیر بگذارد، اهتمام جدی نشان دهد (جمعی از نویسندگان، اخلاق کاربردی ۱۳۸۶: ۱۹۹).

عوامل بحران‌آفرین برای محیط‌زیست

پیدا کردن عوامل بحران‌ساز برای محیط‌زیست و به تعبیر دیگر ریشه‌یابی بحران محیط‌زیست یکی از مهم‌ترین بحث‌های اخلاق زیست‌محیطی است. برخی از نظریاتی که در این زمینه مطرح شده است ریشه بحران کنونی را در اعتقادات دینی جست‌وجو کرده و جواز تصرف بشر در طبیعت را که ادیان متعدد به آن قائل‌اند منشأ این بحران معرفی کرده است (همان: ۲۲۰). برخی دیگر نیز ریشه‌های فرهنگی مانند سرمایه‌داری، مردم‌سالاری، شهرنشینی و فردگرایی را در کنار سنت یهودی - مسیحی، علل اصلی فساد و تباهی محیط‌زیست می‌دانند (همان: ۲۲۲). نظریه دیگری هم وجود دارد که ریشه‌های این بحران را در عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مؤثر در علم و اقتصاد جدید پیگیری می‌کند (همان: ۲۲۴).

به اعتقاد ما عوامل بحران‌ساز را در چند دسته می‌توان قرار داد:

الف. عوامل معرفت‌شناختی یا بنیادین یا زیربنایی

ب. عوامل رفتاری یا رو بنایی

الف. عوامل معرفت‌شناختی

عوامل معرفت‌شناختی بحران‌آفرین برای محیط‌زیست، آن دسته باورهایی را شامل می‌شود که مبنای برخی رفتارهای بحران‌ساز و یا مبنای نظریاتی هستند که به رفتارهای بحران‌ساز منجر می‌شوند و عملکرد انسانها در جهت تخریب محیط‌زیست، خواسته یا ناخواسته مستند به آن باورها است. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

۱. نوع نگرش به طبیعت و محیط‌زیست: برخی افراد طبیعت و محیط‌زیست را صرفاً برای انسان و در خدمت انسان می‌دانند و در واقع برای محیط‌زیست ارزش ذاتی

قائل نیستند. چنین دیدگاهی، چه در میان خداپاوران و چه در بین غیر خداپاوران، مجوزی برای استفاده بی حد و حصر در اختیار بشر قرار داده و زمینه را برای تخریب محیط زیست فراهم می‌کند. در مقابل این تفکر، اعتقاد به ارزش ذاتی تمام موجودات است که در عین حال فضیلت انسان را نیز نادیده نمی‌گیرد.

۲. ناکافی دانستن دین برای اداره جامعه: در این رویکرد، حضور دین در زندگی اجتماعی و دنیوی بشر کم‌رنگ شده و دین در حوزه امور معنوی محصور می‌گردد و انسان‌محوری به جای خدامحوری قرار می‌گیرد. در این نگاه به خودبستگی عقل حکم داده شده و وضع تکالیف برای بشر به عقل بشری واگذار شده و خدا از عرصه زندگی اجتماعی و دنیوی حذف می‌گردد. روشن است که اگر چنین اعتقادی مورد پذیرش مردم قرار گیرد و اوامر و نواهی و انواع محدودیتها توسط انسانها وضع شوند، هر کسی همواره با این پرسش مواجه خواهد شد که چرا به حکم عقل خود عمل نکنم و به حکم عقل دیگران گوش فرادهم. چنین پرسشی ضمانت اجرایی احکام و قوانین وضع شده توسط انسانهای دیگر را زیر سؤال خواهد برد.

۳. نقص معرفتی: یکی از عوامل تخریب محیط‌زیست این است که مجریان طرحهای صنعتی همه پیامدهای طرحهای خود را نتوانسته‌اند پیش‌بینی کنند و به تعبیر دیگر طرحهای ناقص را به مرحله اجرا درآورده‌اند.

طراحی و تولید خودروهایی با سوخت فسیلی که به کارگیری آنها به آلودگی هوای شهرها منجر شده است، طراحی صنایع عظیمی که پس مانده‌های آنها به آلودگی آبهای زیرزمینی و سطحی انجامیده و گازهای ناشی از آنها، تخریب لایه ازن را به دنبال دارد و موارد دیگری از این دست که پیش از ارزیابی کامل به مرحله اجرا درآمده‌اند، شواهد کارآمدی بر نقص معرفتی طراحان این پروژه‌ها است. اگر دانشمندانی که طراحی این محصولات را به عهده گرفته‌اند، تمام جوانب کار و مجریان طرحهای ناقص به اندازه کاربران و بلکه بیشتر از آنان در تخریب محیط زیست نقش دارند.

۴. اعتقاد به جدایی علم و دین: اگر راه علم به کلی از دین جدا نمی‌شد، بلکه دین

در اهداف، پیش فرضها، فرضیه‌ها و نظریه‌های علمی حضور داشت، در آن صورت علوم امروزین می‌توانست به گونه‌ای دیگر باشد. به نظر می‌رسد اساساً فناوری سکولار و بریده از دین گاهی اوقات نتایج ضد دینی نیز به بار می‌آورد. یکی از مظاهر این مسئله تولید بمب اتم است که اگر در فرایند شکل‌گیری آن، آموزه‌های دینی دخالت داده می‌شد، اساساً چنین محصولی تولید نمی‌شد.

۵. منحصر دانستن هدف علم به کسب قدرت و سلطه بر طبیعت. هر فعلی که به صورت ارادی و آزادانه توسط انسان صورت می‌گیرد، دارای هدف و غایتی است. علم نیز به عنوان یک فعالیت انسانی محکوم همین حکم و دارای غایت و هدف است. اگر عالمان و دانشمندان هدف علم را کشف اسرار طبیعت برای تسلط بر عالم طبیعت بدانند، نه کشف حقیقت در بستر چشم‌اندازهای ماوراء طبیعی؛ به تعبیر دیگر اگر نگاه انسان به طبیعت نگاه سرمایه‌داری باشد، فرجامش چیزی غیر از مشکلاتی که امروزه بشر با آن مواجه است، نخواهد بود.

ب. عوامل رفتاری یا رو بنایی

این عوامل شامل عملکردها، سیاست‌گذاریها و اتخاذ جهت‌گیریهایی است که دارای مبانی فکری نادرست‌اند و برآیند آنها مشکلات زیست‌محیطی کنونی است. این عملکردها ممکن است از سوی افرادی با مبانی فکری درست هم انجام شده باشد. مثل مسلمانانی که بدون توجه به مبانی فکری خود اقدام به رفتارهایی می‌کنند که در نهایت به تخریب محیط‌زیست می‌انجامد. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

۱. کنار گذاشتن پیامهای آسمانی در تعیین ضوابط و معیارهای استفاده از محیط‌زیست و آزادی انسان در چارچوب قوانین خود ساخته برای بهره‌برداری از طبیعت.

۲. حذف آموزه‌های اخلاقی از زندگی فردی و اجتماعی و اولویت دادن به ارزشهای مادی در مقابل ارزشهای معنوی.

۳. روی کار آمدن حکومت‌های فاسد و ترجیح منافع اقتصادی بر حفظ محیط‌زیست.

نمونه روشن این مسئله امضا نکردن پیمان کیوتو توسط برخی دولتهاست.

نظریات اخلاقی در باب محیط زیست

نظریات مطرح شده در باب محیط‌زیست را در دو نظریه اخلاقی می‌توان مطرح کرد^(۲۴)

۱. نظریه اخلاقی انسان‌محور

طبق این نظریه، انسان تنها موجودی است که شایسته توجه اخلاقی است و سایر موجودات برای انسان خلق شده‌اند. نظریه اخلاقی پیامدگرایی که درستی و نادرستی اعمال را بر حسب پیامدهای آن تعیین می‌کند و نظریه اخلاقی وظیفه‌گرایی که درستی و نادرستی یک فعل را مستقل از پیامدهای آن می‌داند در نظریه اخلاقی انسان‌محور جای می‌گیرند.

۲. نظریه اخلاقی حیات‌محور

طبق این نظریه نه فقط انسان بلکه حیوانات، گیاهان و جمادات نیز شایسته ملاحظات اخلاقی‌اند. بدون تردید دیدگاه اسلام را در این نظریه می‌توان مطرح کرد، چرا که آموزه‌های اسلامی طبیعت را تسبیح‌گوی و دارای شعور و قهراً دارای حیات می‌داند. «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ أَلَّا يُسَبِّحَ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ (اسراء: 44)؛ موجودی نیست مگر آنکه تسبیح و ستایش او می‌گوید. لکن شما از ستایش آنها بی‌خبرید» «كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ؛ همه آنها از ستایش کردن خود آگاه‌اند.» برخی صاحب‌نظران تسبیح موجودات را تسبیح تکوینی دانسته و بیرون از دایره درک و شعور می‌پندارند. ولی برخی همچون امام خمینی (ره) بر این عقیده‌اند که همه ابعاد عالم دارای شعور است و تسبیح موجودات تسبیح شعوری است نه تکوینی (امام خمینی، آداب الصلوة: ۲۲۵). این شعور و آگاهی به حدی است که حتی موجودات طبیعت نسبت به اعمال و رفتار ما هم درک و شعور دارند و آنها را ثبت و ضبط می‌کنند. آیه شریفه «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (زلزال: ۴). دلالت روشنی بر این مطلب دارد. همین‌گونه است سخن پیامبر

گرامی اسلام که فرمود: «إِنَّ الْأَرْضَ لَتُخْبِرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِكُلِّ مَا عَمَلَ عَلَى ظَهْرهَا» (سیوطی، الدار المنثور: ۶ / ۳۸۰). زمین درباره هر آنچه بر آن صورت پذیرفته خبر می‌دهد.»

پذیرش حیات برای تمام موجودات عالم بدون شک این سؤال را به دنبال خواهد داشت که آیا همه موجودات ارزش یکسانی دارند یا خیر، و اساساً این مسئله با اصل کرامت داشتن انسان نسبت به سایر موجودات چگونه قابل جمع است. اصلی که مورد تأیید قرآن کریم هم قرار گرفته است، آنجا که می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰). آنجا که می‌فرماید: «فَضَّلْنَا هِمَّ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا» (همان).

در پاسخ به این پرسش باید گفت: کرامت انسانها نسبت به سایر موجودات، اسباب و زمینه‌های متعددی دارد که یکی از آنها مسئولیت‌پذیری انسان نسبت به سایر موجودات است (طاهری، «کرامت انسان در اندیشه امام علی(ع)»: ۲). به تعبیر دیگر، جایگاه ممتاز انسان در نظام خلقت به معنای برتری او در حق و حقوق نیست، بلکه به معنای سرپرستی، تکلیف و مسئولیت او در قبال طبیعت و محیط‌زیست است. اگر هم انسان در حق و حقوق برتری داشته باشد، به دلیل آن است که در انجام تکالیف و مسئولیتش نسبت به سایر موجودات موفق‌تر است. این مطلب به راحتی از آیه «فَضَّلْنَا هِمَّ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا» فهمیده می‌شود؛ به این معنا که انسان در ابتدای خلقت بر همه مخلوقات برتری ندارد، بلکه از بیشتر آنها بالاتر است؛ اما این ظرفیت و قابلیت را دارد که با انجام مسئولیتها و تکالیفش از همه آنها بالاتر رود (شمالی، اخلاق کاربردی).
با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان قواعد اخلاقی نظریه اسلام را به شرح زیر بیان کرد.

قواعد اخلاقی

قواعد اخلاقی، آن‌دسته از احکامی را شامل می‌شود که پایبندی به آنها شرط تمام بودن فعل است. به تعبیر دیگر اخلاقی بودن فعل انسان در صورتی است که انسان در افعال اختیاری خود به این احکام ملتزم باشد. از دیدگاه نگارنده احکام و قواعد ذیل در باب محیط زیست می‌تواند از مهم‌ترین قواعد اخلاقی تلقی گردد:

1. ملزم حفظ حیات موجودات باید

دلیل این قاعده این است که طبق نظریه اخلاقی حیات‌محور که آموزه‌های اسلام بر آن مهر تأیید می‌زند، تمام موجودات در اصل حیات داشتن با انسان برابرند و در این زمینه نمی‌توان برای انسان برتری قائل بود. از آنجا که حیات، از طرف خداوند بر موجودات افزوده شده است، تنها اوست که حق سلب حیات از موجودات دارد. بر این اساس، انسان باید به حق حیات موجودات احترام بگذارد و تصرف او در این مسئله تنها با اذن حق تعالی مجاز خواهد بود.

2. ملزم حفظ توازن

موجودات عالم بر اساس یک نظام متوازن و مقادیر و اندازه‌های خاص و معینی آفریده شده‌اند. آب ساختار درونی ویژه‌ای دارد که تنها با حفظ آن ساختار حیات‌بخش است. هوا از گازهای متنوع با درصد‌های متفاوت تشکیل شده است که به هم خوردن این ترکیب ویژگی فرح‌بخشی او را از او می‌گیرد و او را مضر به حال موجودات زنده خواهد ساخت. این قانون تکوینی در تمام موجودات جهان وجود دارد و در آیات متعددی به این مسئله اشاره شده است. از جمله آنها آیه‌ای است که می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلاَّ عِنْدَنَا خِزْيَانَةٌ وَ مَا نَنْزِلُهُ إِلاَّ بِقَدْرِ مَعْلُومٍ» (حجر: 22). خزائن همه چیز، تنها نزد ماست ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم. آیه شریفه‌ای نیز می‌فرماید: «خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدْرَهُ تَقْدِيرًا» (فرقان: 2). همه چیز را آفرید و به دقت اندازه‌گیری نمود. همچنین می‌فرماید: «قَدْ جَعَلَ اللهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق: 3). خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است. پذیرش این اصل به این معناست که استفاده از محیط‌زیست باید به گونه‌ای باشد که این توازن اختلال پیدا نکند. نهی از بول کردن در آب از طرف امام صادق (ع) و امام علی (ع) را می‌توان در این جهت تحلیل کرد (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام 1365: 81/31-34). البته چنین نظامی در غرایز و قوای انسانی نیز وجود دارد. به همین دلیل انسان موظف است از هر یک از این قوای خود به اندازه‌ای استفاده کند که در سلامت جسمی و روانی او اختلال به وجود نیاید.

3. لزوم بهینه بودن بهره‌برداری از محیط‌زیست

می‌دانیم که منابع زمینی و آسمانی محدود هستند و از طرف دیگر این منابع برای همه انسانها خلق شده‌اند و همه انسانها حق بهره‌برداری از آنها را دارند، چرا که خداوند می‌فرماید: «وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» (الرحمن: 10). سیره ائمه معصوم (ع) هم گویای این است که انسانها حق ندارند بهره‌برداری از طبیعت را به خود اختصاص دهند. به طور مثال، زمانی که امام علی (ع) در جنگ صفین بر آب تسلط یافت، بهره‌برداری از آن را برای دشمنانش نیز روا دانست و از بستن آب به روی دشمنان نهی کرد، در حالی که پیش از آن دشمنان او اجازه استفاده از آب را به آن حضرت و یارانش نمی‌دادند. این سیره عملی و آموزه دینی حاکی از آن است که بهره‌برداری از مواهب و نعمتها باید در چارچوب خاص و به صورت بهینه صورت گیرد. گاهی عدم استفاده از نعمتها، اضرار به محیط‌زیست تلقی می‌شود. به طور مثال، زمانی که ماهیان یک رود از حد اعتدال بیشتر شوند به محیط‌زیست لطمه وارد می‌شود و گاهی استفاده افراطی و صید بی‌رویه موجب به هم خوردن اعتدال محیط‌زیست می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «اموال همه از آن خداست که در نزد ما انسانها به ودیعه گذاشته شده است و اجازه تصرف در آنها به شرطی به انسان داده شده است که بخورند، بپوشند، ازدواج کنند و سوار مرکبها شوند، اما مقتصدانه و معتدلانه (مجلسی، همان: ۷۲/۳۰۵).

اصل مهم «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (حرعاملی، وسایل الشیعة، 1414: ۱۸/۳۲). نیز بیان دیگری از همین قاعده اخلاقی است. با استناد به این اصل که در حقیقت روح حاکم بر تمام قوانین اسلامی است، به راحتی می‌توان دیدگاه اسلام را در بسیاری از معضلات زیست‌محیطی تبیین کرد. زیرا بدون شک یکی از موارد ضرر و زیان، تخریب محیط‌زیست و آسیب رساندن به موجودات است. طبق این قاعده انسانها نمی‌توانند با بهره‌برداری افراطی از محیط‌زیست به دیگران ضرر و زیان برسانند. فرمایش امام صادق (ع) مبنی بر نهی از آلوده کردن آب مردم «لا تفسد علی القوم ماءهم» (کلینی، الکافی 1365: ۳/۶۵). حدیث امام علی (ع) که فرمود «هر کس چیزی بخورد که بوی بدش

مردم را اذیت کند به مسجد نیاید» (طوسی، همان: ۳/ ۲۵۵). یکی از فروعات همین قاعده است و این نهی را می‌توان به موارد دیگر نیز تعمیم داد.

4. لزوم محدودیت سیطره انسان بر طبیعت

دلیل این مطلب آن است که انسان به حکم آیه شریفه «انی جاعل فی الارض خلیفه» (بقره: 30). جانشین خدا بر روی زمین است. از آنجا که سیطره خداوند بر عالم سیطره بی‌قید و شرط نیست، بلکه رعایت عدالت و مصالح در آن دخالت دارد، بنابراین، به طریق اولی سیطره انسان هم نمی‌تواند بی‌قید و شرط باشد. دلالت روشن آیه شریفه «واستعمرکم فیها» (هود: 61). همین است که مسئولیت آبادانی زمین بر عهده انسانها نهاده شده است و این وظیفه در قبال استفاده‌ای است که انسان از مواهب زمینی و آسمانی دارد.

5. لزوم حمایت از محیط زیست

دلیل این مطلب آن است که نظام عالم نظام احسن است و چیزی در این نظام بی‌فایده خلق نشده است تا آن را بی‌اهمیت بشمریم و حفاظت نکنیم: «ما خلقنا السماء والارض و ما بینهما لاعین (انبیاء: 16)». زمین و آسمان و آنچه در آن دو هست بیهوده خلق نشده‌اند. اهمیت حمایت از محیط زیست به حدی است که در کلام رسول خدا (ص) حمایت از آن به سان حمایت از مؤمن شمرده شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «من سقى طلحة اوسدرة فکأنما سقى مؤمناً من ظمأ (حر عاملی، همان: ۱۶/۱۷)». کسی که درخت بیابانی و درخت مورد استفاده انسان را آب دهد، به سان کسی است که انسان مؤمنی را سیراب کرده است. در جای دیگر می‌فرماید: «إن قامت الساعة و فی ید أحدکم الفسیله فإن استطاع أن لا تقوم الساعة حتی یغرسها فلیغرسها (نهج الفصاحه: ۳/ ۷۱۳)». اگر عمر جهان پایان یافته و در دست شما نهالی برای کاشت بود، چنانچه فرصت دارید آن را بکارید.» علی (ع) نیز در مواقع مختلف این مسئولیت را برای انسانها یادآوری کرده و می‌فرماید: «اتقوا الله فی عباده و بلاده انکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم (نهج

البلاغه: 167؛ شما در مورد زمینها و چهارپایان نیز مسئول هستید.» نیز می‌فرماید: «والیکن نظرک فی عمارة الارض (همان: نامه 53)، باید در فکر آبادی زمین باشی.» به اعتقاد ما دستور به کشاورزی و امر به احیای طبیعت و اراضی از سوی ائمه معصوم(ع) در مواضع متعدد، در واقع امر به حمایت از محیط‌زیست است.

فضایل اخلاقی در باب محیط زیست

1. احترام به محیط زیست

مسئله حرمت نهادن به حیوانات و گیاهان در موارد متعدد از سوی رسول خدا توصیه شده است. در روایتی آمده است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «لا تسبوا الجبال و لا الساعات و لا الايام و لا الليالی (شیخ صدوق، علل الشرایع: ۵۷۷/۲)؛ از کوهها و ساعتها و روزها و شبها بدگویی نکنید.» در جای دیگر می‌فرماید: «لا تسبوا للديك (طبرسی، مکارم الاخلاق: 1412: ۱۳۰)؛ به خروس دشنام ندهید.» در جای دیگر توصیه می‌کند که کسی که حیوان را می‌دوشد، پیش از آن ناخنهای خود را بگیرد تا حیوان را زخمی نکند (بیهقی، السنن الکبری: ۱۴/۸). چنین دستور می‌دهد که هنگام ذبح حیوان کارد و چاقو را جلوی چشم حیوان تیز نکنند (متقی هندی، کنز العمال: 1409: ۱۳۷/۶).

چنین توصیه‌هایی از سوی خدا و رسول خدا و توصیه‌های مشابه دیگر از جمله نهی از قطع درختان ظاهراً از آن جهت است که موجودات در نگاه دین اسلام دارای حیات و شعور هستند و از ارزش ذاتی برخوردارند.

2. آراستگی و نظافت

در اسلام رعایت بهداشت و نظافت و پرهیز از آلودگی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. قرآن کریم یکی از اهداف مهم انبیا را تزکیه و پاکی معرفی نموده است (جمعه: 2). رسول خدا نیز همواره امتش را با بیانهای مختلف به پاکیزگی ترغیب می‌نمود و می‌فرمود: خداوند پاک است و پاکیزگی را دوست دارد (محمدی ری شهری، میزان الحکمه

1375: ۴ / ۲۳۰۲). نیز می‌فرمود: «تَنْظِفُوا بَکَل مَا اسْتَطَعْتُمْ فَاِنَّ اِلَهَ تَعَالَى بَنَى الْاِسْلَامَ عَلَی النَّظَافَةِ وَ لَنْ یَدْخُلَ الْجَنَّةَ اِلَّا کُلٌّ نَظِیْفٌ (همان): هر قدر که می‌توانید نظافت کنید. خداوند متعال اسلام را بر نظافت و پاکی بنا نهاده است و به جز پاکان هرگز کسی داخل بهشت نمی‌شود.»

این توصیه‌ها و توصیه‌های دیگر، از قبیل ناپسند شمردن تخیلی در کنار آبهای روان و زیر درختان میوه‌دار (شیخ صدوق، المقنع 1415: ۸؛ حر عاملی، همان: ۱ / ۲۲۴) و نیز امر به دفن زباله‌ها مانند مو ناخن و خون (حر عاملی، همان: ۳۷ / ۱۲۳)، احتمالاً از این جهت است که اولاً انسان خلیفه خداست و خلیفه باید سیره و سنت مستخلف‌عنه را سریره خود قرار دهد و به پاکی و نظافت از آن جهت که محبوب خداست، علاقه‌مند باشد. ثانیاً، رعایت پاکیزگی روح آدمی را تلطیف می‌کند، زیرا تعلق و وابستگی روح و بدن و تأثیر و تأثر متقابل آنها امری مسلم است بنابراین، از این رهگذر می‌توان حکم کرد که طهارت بدن در تقویت روح ملکوتی مؤثر است (جوادی آملی، انتظار بشر از دین 1380: ۲۰۰ – ۲۰۱). ثالثاً، پاکیزه بودن افراد در برقراری ارتباط دوستانه با سایر افراد بی‌تأثیر نیست.

3. اصلاحگری

واژه «اصلاح» در مقابل افساد، به مجموعه رفتارهایی اطلاق می‌شود که در جهت محافظت از محیط زیست و پیشگیری از تخریب انجام می‌شود. شاخصه اصلی اصلاحگری این است که زندگی انسان در روی زمین صالحانه باشد. خداوند متعال می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ یَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا (کهف: 110)؛ هر کس لقای پروردگارش را می‌خواهد، باید عمل صالح انجام دهد.» در ابتدای هبوط انسان به زمین نیز ملائکه به خداوند گفتند: «آیا کسی را در زمین قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند» (بقره: 30). انسان قبل از دریافت علم الأسماء یا در صورت کنار نهادن آن، زمینه مساعدی برای افساد در روی زمین دارد. احتمالاً برای همین جهت است که خداوند به او مأموریت آبادگری می‌دهد: «هُوَ اَنْشَأَکُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَکُمْ فِیْهَا (هود: 61)؛ اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذار کرد.» نیز او را از فساد و اختلال

در نظام عالم نهی می‌کند و می‌فرماید: «لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها (اعراف: 56)». در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید.»

4 شکر

خداوند متعال شکر و سپاسگزاری را موجب ازدیاد نعمت می‌داند و می‌فرماید: «لئن شکرتم لازیدنکم» (ابراهیم: 7). برخی از مفسران مثل علامه طباطبایی در بیان حقیقت شکر، آن را اظهار نعمت می‌دانند و معتقدند اظهار نعمت به این معناست که هر چیزی در جای خود و چنان که بایسته است به کار گرفته شود؛ یعنی در همان مسیری که مورد نظر نعمت دهنده بوده است مورد بهره‌برداری قرار گیرد. (طباطبایی، المیزان 1417: 38/4). صاحب تفسیر نمونه نیز همین تلقی را از شکر داشته و معتقد است که شکر و سپاس آن است که بنده تمام آنچه را خدا به او داده است در همان راهی به مصرف برساند که بدان هدف آفریده شده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، 1370: 10/278).

رذایل اخلاقی در باب محیط‌زیست

رذیلت اخلاقی واژه‌ای است که در برابر فضیلت اخلاقی به کار می‌رود. هر فعلی که با اراده و اختیار انسان صورت گرفته و او را از مسیر رسیدن به کمال نهایی منحرف نماید، رذیلت اخلاقی به حساب می‌آید. برخی از رذایل اخلاقی در باب محیط‌زیست عبارت‌اند از:

1. اسراف و تبذیر

اسراف در اصطلاح به هر گونه تجاوز از حد و اندازه گفته می‌شود. تبذیر نیز به معنای ریخت و پاش است. در متون اسلامی از ممنوع بودن اسراف و تبذیر فراوان سخن گفته شده و التذاد با اسراف و تجاوز به حقوق دیگران مؤکداً مورد نهی واقع شده است. بر همین اساس می‌توان گفت از نگاه متون دینی انسان تنها به مقدار نیاز واقعی خود حق بهره‌برداری از محیط‌زیست را دارد و استفادهٔ مسرفانه از طبیعت ممنوع

است. قرآن می‌فرماید: «لا تسرفوا إنه لا يحب المسرفين (انعام: 141)؛ اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد.» همچنین می‌فرماید: «إن المبذرين كانوا إخوان الشياطين و كان الشيطان لربه كفوراً مبذرين برادران شیطان‌اند و شیطان در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس بود.»

2. کفران نعمت

از نگاه متون دینی کفران نعمت موجب سلب نعمت می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «لئن كفرتم إن عذابی لشديد» (ابراهیم: 7). ظاهراً علت اصلی نابودی برخی تمدنها و اقوام گذشته و سلب نعمت وجود از آنها همان ناسپاسی بوده است. بسیاری از بلاهای اجتماعی را نیز در همین زمینه می‌توان ارزیابی کرد، چرا که در برخی آیات به این مسئله تصریح هم شده است «و ضرب الله مثلاً قرية كانت آمنة مطمئنة يأتيها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون (نحل: 112)؛ خداوند برای آنان که ناسپاسی می‌کنند مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزی‌اش از هر جا می‌رسید، اما نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید.» به نظر می‌رسد که یکی از عوامل خشم الهی عصیان و نافرمانی بندگان است که در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی از جمله تخریب محیط زیست، کاهش نزولات آسمانی، زلزله، سیل و... آشکار می‌گردد. روایتهای متعددی هم در این زمینه وجود دارد. از جمله روایت پیامبر اکرم (ص) که فرمود: «إذا غضب الله عزوجل على أمة و لم ينزل بها العذاب غلت أسعارها و قصرت أعمارها و لم تريح تجارها و لم تزك ثمارها و لم تغزر أنهارها و حبس عنها أمطارها و سلط عليها أشرارها (راوندی، قصص الانبياء 1409: 236)؛ شیخ صدوق، خصال 1403: 360)؛ وقتی خداوند بر امتی خشم گیرد، ولی عذاب نازل نکند، در آن صورت گرانی پدید می‌آید، عمرها کوتاه می‌شود، میوه‌ها نامطلوب می‌گردد، چشمه‌سارها می‌خشکنند، باران قطع می‌شود و اشرار بر جامعه مسلط می‌شوند.»

نتیجه‌گیری

اخلاق اسلامی، محیط‌زیست را دارای حیات و ارزش ذاتی می‌داند. از این رو قواعدی را درباره نحوه برخورد با محیط‌زیست تأسیس کرده و انسان را در برابر آن مسئول دانسته و توصیه می‌کند انسان با محیط‌زیست برخورد مسئولانه داشته باشد و ارزش ذاتی آن را به رسمیت بشناسد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ۱- امام خمینی، *آداب الصلوة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،
- ۲- بیهقی، احمد بن الحسین بن علی، *السنن الکبری*، بیروت، دارالفکر،
- ۳- تهذیب اللغة، ماده خلق.
- ۴- جمعی از نویسندگان، *اخلاق کاربردی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1386.
- ۵- جوادی آملی، *انتظار بشر از دین*، قم، مرکز نشر اسراء، 1380.
- ۶- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، مبانی اخلاق در قرآن، قم، اسراء، بی تا.
- ۷- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، مؤسسه آل البيت، دار احیاء التراث، 1414ق.
- ۸- راوندی، قطب الدین، *قصص الانبیاء*، بنیاد پژوهشهای آستان قدس، 1409ق.
- ۹- روشنی، علی، *اکولوژی عمومی تهران*، دانشگاه امام حسین (ع)، 1381.
- ۱۰- زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس*، ماده خلق.
- ۱۱- سیوطی، جلال الدین، *تفسیر الدر المثنور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ۱۲- شمالی، محمدعلی، جزوه درسی اخلاق کاربردی تدریس شده در دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- ۱۳- شیخ صدوق، *المقنع*، قم، مؤسسه الهادی، 1415ق.
- ۱۴- شیخ صدوق، *خصال*، قم، جامعه مدرسین، 1403ق.

- ۱۵- شیخ صدوق، *علل الشرایع*، قم، مکتبه الداوری، بی تا.
- ۱۶- شیخ طوسی، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1365.
- ۱۷- صحاح اللغه، ماده خلق.
- ۱۸- طاهری، ابوالقاسم، *کرامت انسان در اندیشه امام علی (ع)*، مجله پژوهشهای دینی، شماره 2، سال اول.
- ۱۹- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، 1417ق.
- ۲۰- طبرسی، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، 1412ق.
- ۲۱- طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1365.
- ۲۲- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم 1377.
- ۲۳- فیومی، احمد بن محمد، *مصباح المنیر*، ماده خلق
- ۲۴- کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1365.
- ۲۵- کیس، الکساندر، *حقوق محیط زیست*، ترجمه محمدحسن حبیبی، دانشگاه تهران، 1379.
- ۲۶- متقی هندی، علاءالدین، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله، 1409ق.
- ۲۷- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403ق.
- ۲۸- محمدی ری شهری، *میزان الحکمه*، قم، دارالحديث، 1375.
- ۲۹- مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، قم، انتشارات اسلامی، 1376.
- ۳۰- مصدق، احمد، *تخریب محیط زیست جهانی و آینده جهان*، تهران، نشر علوم کشاورزی، 1382.
- ۳۱- مقایس اللغه، ماده خلق.
- ۳۲- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370.

۳۳- نراقی، ملا مهدی، *جامع السعادات*، تصحیح محمدرضا مظفر، قم، انتشارات اسماعیلیان، 1383.

۳۴- *نهج النصاحه*، تحقیق غلامحسین حیدری، قم، مؤسسه انصاریان، 1379.

۳۵- یخکشی، علی، *شناخت، حفاظت و بهسازی محیط زیست تهران*، مؤسسه آموزش عالی علمی - کاربردی جهاد کشاورزی، 1381.

